

بررسی تطبیقی دیدگاه مفسران فریقین در تفسیر آیه تطهیر

با تأکید بر آرای طبرسی و ثعلبی

علی اصغر ناصحیان^۱ و محمدحسین^۲

چکیده

یکی از موارد مهم اختلاف فریقین، تعیین مصداق اهل بیت در آیه تطهیر می باشد. با توجه به نقش اساسی این فراز از آیه ۳۳ سوره احزاب در حوزه اعتقادی فریقین، پژوهشگر با واکاوی مفاهیم به کاررفته در آیه و ارتباط لفظی و سیاقی میان آن ها و همچنین بیان دیدگاه مفسران فریقین، مفهوم اصلی و واقعی اهل بیت در آیه تطهیر را شناسایی می کند. از میان مفسران اهل سنت، برخی از آن ها مصداق اهل بیت را فقط در بستگان سببی پیامبر، یعنی زنان پیامبر معنا کرده اند؛ و برخی دیگر مصداق آن را علاوه بر زنان، پنج تن آل عبا (پیامبر اسلام، حضرت زهرا، حضرت علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام) می دانند. اما مفسران شیعه و برخی از مفسران اهل سنت قائل اند که مراد از اهل بیت فقط پنج تن آل عبا هستند و لا غیر. با بررسی انجام گرفته، دلایل مفسران فریقین را می توان در سه محور روایی، ادبی و سیاقی تقسیم کرد. آن ها با استناد به روایات ام سلمه، عائشه و عکرمه و نیز بررسی مفهوم اهل بیت و ضمایر به کاررفته در آیه ۳۳ سوره احزاب و همچنین وحدت و عدم وحدت آیه تطهیر با آیات قبل و بعد، اقوال خود را پایه ریزی کرده اند.

کلیدواژه ها: آیه تطهیر، اهل بیت، آل عبا، عصمت.

۱. استادیار مدرسه عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.

۲. نویسنده مسئول، دانش پژوه مقطع کارشناسی ارشد مدرسه عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.



مقدمه

یکی از مباحث مورد اختلاف فریقین، تعیین مصداق «اهل بیت» در آیه ۳۳ سوره احزاب می‌باشد. از آن‌جا که این فراز از آیه نقش محوری در تبیین و اثبات مباحث کلیدی و معرفتی در حوزه اعتقادات شیعی، یعنی «عصمت» اهل بیت دارد، ضرورت می‌طلبد این واژه را از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار دهیم تا مصادیقی که عصمت شامل حال آن‌ها می‌شود را بشناسیم و شعاع گستره معصومین را در افراد خاصی بجویم. هرچند این واژه در قرآن و روایات (خصوصاً احادیث نبوی)، با توجه به موضوعات گوناگون برای مصادیق مختلفی به کار رفته است و همین امر باعث شد تا مفسران فریقین را در معنای واقعی آن در آیه تطهیر دچار مشکل کند. مفسران در مصداق اهل بیت به چند دسته تقسیم می‌شوند: برخی مصداق آن را فقط در بستگان سببی پیامبر، یعنی زنان پیامبر معنا کرده‌اند؛ و برخی دیگر مصداق آن را علاوه بر زنان پیامبر، پنج تن آل عبا (پیامبر اسلام، علی، فاطمه، حسن و حسین) می‌دانند؛ و برخی دیگر قائل‌اند که منظور از اهل بیت، بنی هاشم (آل علی، آل عباس، آل عقیل و آل جعفر) هستند. در این میان، برخی از مفسران می‌گویند مراد از اهل بیت فقط پنج تن آل عبا، یعنی پیامبر اسلام، علی، فاطمه، حسن و حسین هستند و لاغیر. از این رو، پژوهشگر بر آن است تا با واکاوی مفاهیم به کاررفته در آیه و ارتباط لفظی و سیاقی میان آن‌ها و همچنین بیان دیدگاه مفسران فریقین، مفهوم اصلی و واقعی اهل بیت در آیه تطهیر را شناسایی کند.

دیدگاه طبرسی در مجمع البیان

روایات ناظر بر تعیین مصداق «اهل البیت» در آیه تطهیر از نظر طبرسی

در منابع تفسیری، مجموعه‌ای از احادیث متقدم شیعه و سنی دلالت می‌کنند که مصداق «اهل البیت» در آیه تطهیر خاندان پیامبر است و به‌طور مشخص به جمع پنج نفره حاضر در حادثه کساء اشاره دارد. آنچه در این‌جا گزارش می‌شود، اقتباس دقیق از نقل‌های واردشده در مجمع البیان است؛ نقل‌هایی که از حیث سند و متن، در کتب متقدمین مورد توجه قرار گرفته‌اند.

روایت منقول از طریق ابوحزمه ثمالی در تفسیر وی گزارش شده که از ام سلمه نقل می‌کند: فاطمه سلام‌الله‌علیها نزد پیامبر غذا آورد. پیامبر دو فرزند او را فراخواند؛ آنان با فاطمه از آن غذا خوردند. سپس کساء خبیری بر سر ایشان انداخت. سپس دعای عبارت را خواند: «اللهم هؤلاء اهل بیتی و عترتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا» (بارخدا! اینان اهل بیت و عترت من‌اند؛ پس رجس را از ایشان ببر و ایشان را به‌طور کامل طاهر گردان). ام سلمه در ادامه می‌پرسد: «یا رسول الله، و من با ایشانم؟» پیامبر فرمودند: «تو بخیر و سعادت» (طبرسی، ۱۳۶۳، ج. ۲۰، ص. ۱۱۱).

روایت ثعلبی با سند از ابوسعید خدری گزارش داده که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: آیه درباره پنج تن نازل شده است: من و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام (همان).

روایت گزارش شده از طریق سلسله‌سندی که در متن آمده است (ابوالقاسم حسکانی ← ابوبکر سیعی ← ابوعمرو هراتی ← ابن‌مصفا ← عبدالرحیم بن واقد ← ایوب بن سيار ← محمد بن منکدر ← جابر) نیز دلالت می‌کند که آیه در حالی نازل شد که در خانه جز فاطمه و حسن و حسین و علی کسی نبود و پیامبر همان عبارت دعا را خواند: «اللهم هؤلاء أهل بیتی و عترتی...» (طبرسی، ۱۳۶۳، ج. ۲۰، ص. ۱۱۲).

روایت منقول از طریق سید ابوالحمد حاکم ابوالقاسم با سند از رازانان از حسن و حسین و فاطمه علیهم‌السلام، فرمودند که چون آیه تطهیر نازل شد، پیامبر ما را زیر کساء خبری جمع نمودند و دعا فرمودند: «اللهم هؤلاء أهل بیتی و عترتی» (طبرسی، ۱۳۶۳، ج. ۲۰، ص. ۱۱۳).

طبرسی تأکید می‌کند که روایات متعدد از طریق عامه و خاصه در این موضوع وجود دارد، به حدی که اگر همه آن‌ها نقل می‌شد، کتاب طولانی می‌شد؛ اما آن‌چه نقل گردید برای اثبات اختصاص آیه به خاندان رسالت کافی است.

مجموع این نقل‌ها، که هم از طریق عامه و هم از طریق خاصه در منابع مطرح شده‌اند، وحدت معنایی قابل‌توجهی را نشان می‌دهند: آیه تطهیر در مقام معرفی گروهی مشخص از «أهل البيت» است و آن گروه همان کسانی‌اند که در حادثه کساء حاضر شده‌اند (پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین). این ثبوت روایی – به‌ویژه با توجه به تکرار متن دعا در چند سند مستقل و پرسش و پاسخ ام‌سلمه که مرز شمول را روشن می‌سازد – زمینه قرائت مصداقی آیه و استدلال‌های بعدی درباره دلالت طهارت و عصمت را فراهم می‌کند. بر مبنای این روایات، می‌توان نتیجه گرفت که مصداق «أهل البيت» در آیه تطهیر محدود به پنج‌تن حاضر در حادثه کساء است؛ و دلالت آن بر خاندان پیامبر و طهارت آنان، به‌ویژه حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها)، قابل استناد است.

تحلیل نحوی و استدلال بر اختصاص آیه تطهیر به أصحاب کساء از نظر طبرسی

استدلال‌های تفسیری نشان می‌دهد که آیه تطهیر اختصاص به پنج نفر (پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم‌السلام)) دارد. بر اساس تحلیل لغوی و نحوی، کاربرد لفظ «إنما» در آیه به معنای حصر و تأکید بر حقیقت ثابت‌شده است و نقض یا تعمیم به غیر آن‌چه مشخص شده را نفی می‌کند. مثال‌های مشابه در زبان عرب، مانند «إنما لك عندي درهم» که به معنای «درهم تنها برای توست» یا «إنما في الدار زيد» که به معنای «در خانه تنها زيد است» به‌کار می‌رود، نشان می‌دهد که این نوع کاربرد اقتضا می‌کند که هیچ مورد دیگری خارج از مصداق ذکرشده وجود ندارد (طبرسی، ۱۳۶۳، ج. ۲۰، ص. ۱۱۳).

بر این اساس، اراده الهی در آیه نیز خاص و محصور است؛ به این معنا که قصد خداوند در آیه، شامل تطهیر و رفع رجس و پلیدی، تنها برای اهل‌بیت ذکرشده است و برای دیگر افراد امت یا مردم به‌کار نمی‌رود. برداشت دیگر که اراده خداوند شامل همه افراد باشد، مردود است؛ زیرا اراده مطلق خداوند شامل هر مکلف نمی‌شود، بلکه این اراده در آیه اختصاص به اهل‌بیت دارد. بنابراین، مدح و تعظیم آنان در آیه، بدون شک و



شبهه، متوجه افراد مشخص شده است و مفهوم عصمت آنان از تمام قبیحات و پلیدی‌ها استنتاج می‌شود. غیر از این پنج نفر، عصمت قطعی برای سایر افراد اهل بیت ثابت نشده است.

علاوه بر این، برخی ممکن است استدلال کنند که صدر آیه و قسمت‌های بعدی، در واقع ناظر به همسران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است. در پاسخ می‌گوییم: باید توجه داشت که زبان عرب و سنت فصحاء، گاهی خطاب به غایب و گاهی بالعکس استفاده می‌شود؛ بنابراین استفاده از خطاب برای اهل بیت پیامبر و همسران ایشان با این ساختار زبانی، مانع از اختصاص آیه به پنج نفر نمی‌شود. به بیان دیگر، ساختار نحوی و کاربرد لفظ «إنما» در آیه به روشنی اختصاص آیه به مصادیق مشخص شده را تأیید می‌کند و شمول آن به دیگران را نفی می‌کند.

دیدگاه طبرسی درباره عصمت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) بر اساس روایات نقل شده در تفسیر آیه تطهیر بررسی لغوی، روایی و نحوی آیه تطهیر نشان می‌دهد که این آیه اختصاص به پنج نفر مشخص دارد: پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، علی (علیه‌السلام)، فاطمه (سلام‌الله‌علیها)، حسن (علیه‌السلام) و حسین (علیه‌السلام). تحلیل لغوی واژه‌ها، به‌ویژه «الرَّجْس» و «اهل البيت»، دلالت بر مفهوم طهارت کامل خاندان رسالت دارد. واژه «الرَّجْس» به هرگونه آلودگی اعتقادی، اخلاقی و عملی اشاره دارد؛ و «أهل البيت» به معنای خاندان پیامبر و مصداق مشخص خاندان رسالت است، نه اشاره به مکان یا سایر افراد.

از منظر روایی، احادیث متعدد شیعه و اهل سنت، از جمله نقل‌های ابوحمزه ثمالی، ابوسعید خدری، جابر و سید ابوالاحمد، نشان می‌دهند که هنگام نزول آیه، تنها پنج نفر مورد خطاب قرار گرفتند و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آنان را تحت کساء جمع کرد. تکرار دعای پیامبر با عبارت «اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَ عِترتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا» در منابع متعدد، اختصاص آیه به این پنج نفر را تثبیت می‌کند و دلالت بر عصمت آنان دارد (طبرسی، ۱۳۶۳، ج. ۲۰، صص. ۱۱۰-۱۱۳).

تحلیل نحوی و استدلال بر کاربرد لفظ «إنما» نشان می‌دهد که این واژه حصر و اختصاص را اقتضا می‌کند و بنابراین قصد الهی در آیه، شامل تطهیر و رفع رجس، تنها متوجه مصادیق ذکر شده است. کاربرد لفظ «إنما» و ساختار نحوی آیه، شمول آن به سایر افراد، حتی همسران پیامبر را نفی می‌کند؛ زیرا مدح و تعظیم در آیه تنها به مصادیق مشخص شده تعلق دارد و نتیجه مستقیم آن، اثبات عصمت آنان از هرگونه قبیح و پلیدی است (همان).

با توجه به این سه محور تحلیلی، نتیجه می‌گیریم که آیه تطهیر، دلالت مستقیم و روشن بر عصمت حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) و سایر چهار عضو اهل بیت دارد؛ و این عصمت، مبنای فقهی و کلامی برای جایگاه والای ایشان در اسلام است. بنابراین، تحلیل طبرسی از آیه تطهیر، هم از نظر لغوی و هم از منظر روایی و نحوی، اختصاص آیه به اهل بیت (علیهم‌السلام)، از جمله حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) دارد و عصمت آنان را به‌طور قاطع اثبات می‌کند.

دیدگاه ثعلبی در الکشف و البیان

الف. تحلیل لغوی آیه از نظر ثعلبی

ثعلبی در تفسیر الکشف والبیان به بررسی معانی واژه‌های کلیدی آیه تطهیر پرداخته و آرای مفسران پیش از خود را نقل می‌کند. او نخست به واژه «الرَّجَس» توجه می‌دهد و اختلاف مفسران در تعیین مفهوم آن را ثبت می‌کند. بنابر نقل وی، مقاتل «الرَّجَس» را به معنای «الإثم» دانسته است؛ یعنی گناهی که خداوند زنان پیامبر را از آن نهی کرده است. قتاده معنای «السوء» را برای آن بیان کرده و ابن‌زید «الرجس» را به «الشيطان» تأویل کرده است. مجاهد نیز در تفسیر این واژه، آن را به معنای «شرک» دانسته و جمله «وَيُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيراً» را به تطهیر از «الشرك» تفسیر کرده است. در مجموع، ثعلبی واژه «الرَّجَس» را در دایره معنای آلودگی‌های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری تحلیل می‌کند (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج. ۸، ص. ۳۵).

در ادامه، ثعلبی به واژه «أهل البيت» می‌پردازد و آن را خطاب به «یا أهل بیت محمد» دانسته و عبارت «وَيُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيراً» را به «پاک‌سازی از نجاسات جاهلی» تفسیر کرده است. او سپس دیدگاه نخستین گروه از مفسران را نقل می‌کند که معتقد بوده‌اند مراد از «أهل البيت» در این آیه، همسران پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هستند. این گروه استدلال کرده‌اند که چون رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) همراه آنان بوده است، خطاب به‌صورت مذکر آمده و از آن‌جا که در زبان عرب هنگام اجتماع مذکر و مؤنث، غالباً صیغه مذکر به‌کار می‌رود، استعمال این ساختار طبیعی است. بنابراین، آنان «أهل البيت» را به همسران پیامبر اختصاص داده‌اند (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج. ۸، ص. ۳۵).

این بخش از تفسیر ثعلبی در واقع نشان‌دهنده توجه او به دو سطح از تحلیل لغوی است: نخست، تنوع معنایی واژه‌های محوری آیه در میان مفسران نخستین؛ و دوم، نقل دیدگاه‌هایی که اهل‌بیت را بر همسران پیامبر تطبیق داده‌اند. بدین‌ترتیب، ثعلبی در مرحله نخست، بحث لغوی را بدون ورود به مباحث روایی و مصداقی مطرح می‌کند و با ثبت اقوال، زمینه را برای تفسیر روایی آیه در بخش‌های بعد فراهم می‌سازد.

ب. روایات ناظر بر تعیین مصداق «أهل البيت» از نظر ثعلبی

در این بخش، روایاتی که ثعلبی در تفسیر آیه تطهیر (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً) نقل کرده است، بررسی می‌شود. هدف این بررسی، روشن ساختن مصداق «أهل البيت» از نظر ثعلبی و تحلیل دیدگاه‌های متفاوت درباره دایره شمول «اهل البيت» در آیه است.

ثعلبی در تفسیر خود، روایات متعددی از منابع اهل سنت و شیعه نقل می‌کند که سه دیدگاه اصلی را منعکس می‌کنند: دیدگاه اول: زنان پیامبر (ص) - مستند به روایت عکرمه و سعید بن جبیر از ابن‌عباس؛ دیدگاه دوم: پنج‌تن آل‌عبا - مستند به حدیث کساء؛ دیدگاه سوم: بنی‌هاشم (آل‌علی، آل‌عباس، آل‌عقیل و آل‌جعفر) - مستند به روایت حرمت صدقه (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج. ۸، صص. ۳۶-۳۷).



ج. بررسی دلالت آیه تطهیر و نقد دیدگاه ثعلبی

ثعلبی در تفسیر خود، با تمسک به سیاق آیات، آیه تطهیر را شامل همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانسته است. استدلال وی بر این اساس است که چون آیات پیش و پس از آیه تطهیر درباره زنان پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده، پس مراد از «اهل البیت» نیز همان همسران پیامبر صلی الله علیه و آله هستند. این دیدگاه، از سوی بسیاری از مفسران بزرگ شیعه و اهل سنت مورد نقد و رد قرار گرفته است؛ از جمله علامه طبرسی در تفسیر مجمع البیان و نیز مفسرانی همچون زمخشری، فخر رازی، طبری و ابن کثیر. آنان با استناد به ادله قرآنی و روایی، ثابت کرده‌اند که آیه تطهیر اختصاص به گروه خاصی دارد و شامل همسران پیامبر نمی‌شود (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج. ۸، صص. ۳۶-۴۴).

دلالت «إِنَّمَا» و تکوینی بودن اراده الهی

عبارت «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ» در آیه تطهیر، به روشنی دلالت بر حصر دارد. «إِنَّمَا» در زبان عربی، مفید حصر حقیقی است و نشان می‌دهد که اراده الهی در این آیه، متوجه گروهی خاص و محدود است. این اراده، اراده تکوینی است؛ زیرا اراده تکوینی، قطعی و تخلف‌ناپذیر است؛ نتیجه آن، تحقق قطعی طهارت و نفی هرگونه رجس و پلیدی است؛ چنین اراده‌ای نمی‌تواند شامل افرادی باشد که امکان صدور خطا و نافرمانی از آنان وجود دارد. بر اساس روایات متواتر، مصداق «اهل البیت» که به اراده تکوینی تطهیر آنان اراده شده است عبارت‌اند از: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، امام حسن و امام حسین علیهما السلام که به «پنج‌تن آل عبا» مشهورند.

بطلان فرض تشریعی بودن اراده در آیه تطهیر

اگر اراده مذکور در آیه تطهیر، تشریعی فرض شود، دلالت «إِنَّمَا» بر حصر لغو خواهد بود؛ زیرا اراده تشریعی، ماهیتی عام دارد و شامل همه مؤمنان می‌شود، همانند آیاتی که با خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» نازل شده‌اند. در چنین مواردی، حصر معنا ندارد؛ بنابراین وجود «إِنَّمَا» به صورت قطعی نشان می‌دهد که اراده در آیه تطهیر، تشریعی نیست، بلکه اراده‌ای تکوینی و اختصاصی است.

ظنی بودن سیاق و تقدّم ادله قطعی

سیاق آیات، از منظر اصول تفسیر، دلیلی ظنی محسوب می‌شود. در مقابل، درباره آیه تطهیر، دو دلیل قطعی وجود دارد: ۱. دلالت قطعی «إِنَّمَا» بر حصر و تکوینی بودن اراده الهی؛ ۲. روایات متواتر شیعه و اهل سنت که به صراحت نزول آیه تطهیر را درباره پنج‌تن آل عبا دانسته‌اند. طبق قاعده مسلم اصولی، در صورت تعارض دلیل قطعی و ظنی، دلیل ظنی فاقد اعتبار است. از این رو، سیاق آیات نمی‌تواند در برابر این دو دلیل قطعی، حجیت داشته باشد.

بر اساس آنچه گذشت، آیه تطهیر دلالت بر اراده تکوینی دارد، نه تشریعی؛ «إِنَّمَا» مفید حصر حقیقی است؛ روایات متواتر شیعه و اهل سنت، مصداق اهل بیت علیهم السلام را به طور قطعی مشخص کرده‌اند؛ استناد به سیاق آیات، دلیلی ظنی است و در برابر ادله قطعی، اعتباری ندارد. بنابراین، آیه تطهیر به صورت

اختصاصی درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت علی، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، امام حسن و امام حسین علیهم السلام نازل شده و شامل همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نمی شود.

دیدگاه مفسران اهل تسنن و أدله آنان

مفسران اهل تسنن در مورد مصداق اهل بیت در آیه تطهیر بر قول واحدی اتفاق ندارند و در این باره بیش از پنج نظر وجود دارد که ما در این جا تنها به دو قول آنان می پردازیم.

الف. اهل بیت به معنای آل کسا

این قول که در بین مفسران اهل سنت از شهرت کمتری برخوردار است، بر اساس این قول، مصداق اهل بیت خمسة طيبة یعنی پیامبر اسلام، امام علی، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین هستند.

از جمله کسانی که قائل به این نظریه هستند حاکم حسکانی صاحب تفسیر شواهد التنزیل لقواعد التفضیل می باشد. وی در مورد روایات وارد شده پیرامون مصادیق اهل بیت در مورد خمسة طيبة، ادعای تواتر نموده است و برای اثبات مدعای خود احادیث مربوط به کسا را با طرق مختلف نقل می کند که در مجموع ۱۲۰ صفحه از کتاب خود را به ذکر این احادیث اختصاص می دهد (حسکانی، ۱۳۹۳، ج. ۲، ص. ۶۲).

طبری مفسر بزرگ اهل تسنن در جامع البیان فی تفسیر القرآن که به أم التفاسیر مشهور است، به پانزده روایت از طرق مختلف استناد می کند که منظور از اهل بیت در آیه تطهیر پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین است. هرچند ایشان در انتها با استناد به روایت عکرمه و با عبارت «قال الآخرون» دیدگاهی را که زنان پیامبر را نیز از مصادیق اهل بیت می داند ذکر می کند و در مورد اقوال یاد شده نظری نمی دهد؛ اما از مجموع عبارات وی به نظر می رسد که نظر طبری به دیدگاه انحصار اهل البیت به خمسة طيبة نزدیک تر باشد (طبری، ۱۴۱۲، ج. ۲۲، ص. ۵).

ب. اهل بیت به معنای زنان پیامبر و آل کسا

اما قول دوم که مربوط به اکثر مفسران اهل تسنن است؛ مصداق اهل بیت در آیه تطهیر را، بیت شریف پیامبر که محل نزول وحی می داند می دانند. در این صورت اهل بیت شامل زنان پیامبر، فرزندان آن حضرت و علی به خاطر نسبت ایشان به حضرت صدیقه طاهره مصداق اهل بیت است.

در همین راستا مفسران اهل سنت مباحث متعددی را طرح نموده اند. فخر رازی بدون اشاره به اقوال وارده در این آیه، مهم ترین قول در مورد مصداق اهل بیت را زنان پیامبر و خمسة طيبة عنوان می کند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج. ۲۵، ص. ۱۶۸). ابن عطیه صاحب تفسیر المحرر الوجیز در ابتدا با استناد به روایت عکرمه مراد از اهل بیت را زنان پیامبر می داند و در ادامه با اشاره به اقوال دیگر، علاوه بر زنان، خمسة طيبة و بنی هاشم را هم وارد مصداق اهل بیت می کند (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج. ۴، ص. ۳۸۴). بغوی در معالم التنزیل با استناد به روایت عکرمه و سعید بن جبیر از ابن عباس و روایت عایشه منظور از اهل بیت را زنان پیامبر و خمسة آل عبا معرفی می کند (بغوی، ۱۴۲۰، ج. ۳، ص. ۶۳۸). بغدادی هم در ابتدا با استشهاد به روایت سعید بن جبیر از



ابن عباس مراد از اهل بیت را به دلیل انصراف معنای «بیت» به بیت پیامبر، نساء النبی معرفی کرده و در ادامه با استناد به روایت عایشه، مصداق اهل بیت را خمسۀ طیبه دانسته است. به نوعی ایشان جمع میان نساء النبی و پنج تن آل عبا را به عنوان مصداق اهل بیت می‌دانند (بغدادی، ۱۴۱۵، ج. ۳، ص. ۴۲۵).

ثعلبی در تفسیر الکشف و البیان عن تفسیر القرآن در مورد مصداق اهل بیت سه قول را بیان می‌کند: ۱. زنان پیامبر: مستند می‌کند به روایت عکرمه و سعید بن جبیر از ابن عباس؛ ۲. خمسۀ طیبه: مستند می‌کند به حدیث آل کسا؛ ۳. بنی هاشم: استناد به روایت مربوط به حرمت صدقه به آل علی، آل عباس، آل عقیل و آل جعفر (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج. ۸، ص. ۳۶). میبیدی در وهله اول با استناد به معنای لغوی اهل بیت، مصداق اهل بیت را به زنان پیامبر اختصاص می‌دهد و برای مدعای خود اشاره به داستان حضرت ابراهیم در قرآن می‌کند که می‌فرماید: «رَحِمْتُ اللَّهَ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلُ الْبَيْتِ»؛ منظور از اهل بیت در این آیه همسر حضرت ابراهیم است. وی در ادامه پنج تن آل عبا را با حدیث کسا که از طریق ابوسعید خدری، مجاهد و قتاده نقل شده است تحت مصداق اهل بیت وارد می‌کند (میبیدی، ۱۳۷۱، ج. ۸، ص. ۴۶). نخجوانی در الفوائد الإلیه منظور از اهل بیت را در آیه، بیت پیامبر یعنی زنان و آل کسا معرفی می‌کند و علت تذکیر ضمیر را هم به خاطر وجود پیامبر، علی، حسن و حسین متذکر می‌شود (نخجوانی، ۱۹۹۹، ج. ۲، ص. ۱۵۵). ابن جوزی نیز برای مصادیق اهل بیت سه قول ذکر می‌کند: ۱. زنان پیامبر: با استناد به روایت عکرمه و سعید بن جبیر از ابن عباس؛ ۲. اهل کسا: روایت وارد شده از أم سلمه و غیره؛ ۳. اهل کسا و زنان پیامبر: به دلیل اینکه زنان و مردان همگی از آل پیامبر هستند و علت تذکیر در ضمیر را هم به خاطر لفظ «أهل» می‌داند که به صورت مذکر ذکر شد، وگرنه اگر آیه فقط زنان پیامبر را شامل می‌شد می‌بایست ضمیر را به صورت مؤنث می‌آوردند (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج. ۳، ص. ۴۶۳). سیوطی در تفسیر الدر المنثور ابتدا با استناد به روایت ابن عباس که از چند طریق نقل شده است مصداق اهل بیت را فقط در زنان پیامبر دانسته است (سیوطی، ۱۴۰۴، ج. ۵، ص. ۱۹۸)؛ چنان که در تفسیر جلالین نیز اهل بیت را فقط به نساء النبی اختصاص داده است (سیوطی، ۱۴۱۶، ج. ۱، ص. ۴۲۶)؛ هرچند وی در ادامه به روایات مختص آل عبا نیز اشاره می‌کند. ثعلبی در تفسیر جواهر الحسان طبق نظر جمهور، مصداق اهل بیت را پنج تن آل عبا می‌داند و در ادامه با استناد به روایت ابن عباس همسران پیامبر را به خاطر خطاب آیه به زنان پیامبر، داخل در مصداق اهل بیت می‌کند (ثعلبی، ۱۴۱۸، ج. ۴، ص. ۳۴۶). نیشابوری در تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، مصادیق اهل بیت را با توجه به تفسیر آیه مباهله به پیامبر، فاطمه، حسن و حسین اختصاص می‌دهد و علی را از باب معاشرتش با حضرت فاطمه و ملازمتش با پیامبر به آنها اضافه می‌کند و حتی نسبت به آن ادعای اجماع می‌کند و در ادامه دخول زنان پیامبر را از باب ظن مطرح می‌کند (نیشابوری، ۱۴۱۶، ج. ۵، ص. ۴۶۰). بیضاوی معتقد است که اهل بیت را با توجه به سیاق آیه و أدله ابن کثیر مبنی بر شأن نزول آیه می‌توان به زنان پیامبر اختصاص داد و خمسۀ آل عبا را با توجه به روایات منقول داخل نمود و علت ضمیر مذکر در «عنکم» و «بطهرکم» را از باب تغلیب دانسته است (طنطاوی، بی تا، ج. ۱۱، ص. ۲۰۸).

بنابر مباحث ذکرشده، اکثر مفسران اهل سنت افزون بر خمسة طیه، زنان پیامبر را نیز از مصادیق اهل بیت می‌دانند. به‌طور کلی أدله اهل سنت نسبت به داخل بودن زنان پیامبر در مصادیق «اهل البیت» را می‌توان در سه بخش روایی، سیاق و ادبی تبیین کرد.

الف) دلیل روایی

مهم‌ترین دلیل مفسران اهل تسنن روایت عکرمه و سعید بن جبیر از ابن عباس است که مصداق اهل بیت را زنان پیامبر می‌داند. محدثان اهل تسنن می‌گویند: عکرمه در بازار راه می‌رفته و آیه «إِنَّمَا يَرِيْدُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسُ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُمُ تَطْهِيرًا» را قرائت کرده می‌گفت: «لَيْسَ الَّذِي تَذْهَبُونَ إِلَيْهِ، إِنَّمَا هُوَ فِي أَزْوَاجِ النَّبِيِّ خَاصَّةً؛ ای مردم! منظور از اهل بیت در این آیه، فقط زنان پیغمبر است و بس» (طبری، ۱۴۱۲، ج. ۲۲، ص. ۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج. ۵، ص. ۱۹۸؛ قاسمی، ۱۴۱۸، ج. ۸، ص. ۶۸؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج. ۴، ص. ۳۸۴؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج. ۳، ص. ۶۳۸؛ بغدادی، ۱۴۱۵، ج. ۳، ص. ۴۲۵؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج. ۸، ص. ۳۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج. ۳، ص. ۴۶۳؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج. ۹، ص. ۳۱۳۰؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج. ۸، ص. ۴۷۹؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج. ۲۱، ص. ۲۴۸). از سعید بن جبیر نقل می‌کنند که در مورد نزول آیه تطهیر این چنین می‌گوید: «إِنَّمَا نَزَلَتْ فِي نِسَاءِ النَّبِيِّ؛ این آیه در شأن همسران پیامبر نازل شده است» (السمعانی، ۱۴۱۸، ج. ۴، ص. ۲۸۰).

ب) دلیل سیاق

دلیل دیگر مفسران اهل تسنن، مسئله رعایت وحدت سیاق آیاتی است که آیه تطهیر را دربرگرفته‌اند. آن‌ها می‌گویند: آیه‌ای که شأن نزول آن در مورد زنان پیامبر است چطور ممکن است زنان پیامبر را شامل نشود، در حالی که خانه عایشه و أم سلمه موطن وحی الهی است و وحی در منزل آن‌ها اتفاق افتاده است؛ پس اینان خاندان وحی و نبوت هستند. از این رو آنان با استناد به سیاق آیات، همسران پیامبر را نیز داخل در اهل بیت و تطهیر از رجس و پلیدی را شامل حال آن‌ها می‌دانند و از طرفی روایات مربوط به شأن نزول آیه که اشاره به خمسة آل عبا می‌کند را نص صحیح می‌دانند (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج. ۶، ص. ۳۶۵؛ قاسمی، ۱۴۱۸، ج. ۸، ص. ۶۸؛ طنطاوی، ۱۹۹۷، ج. ۱۱، ص. ۲۰۸). بیضاوی هم تخصیص آیه به اصحاب کسا را مناسب قبل و بعد آیه نمی‌داند و احادیث مربوط به شأن نزول آیه نیز چنین اختصاصی را رد می‌کند (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج. ۴، ص. ۲۳).

ج) دلیل ادبی

مفسران اهل تسنن برای اینکه زنان پیامبر را از مصادیق اهل بیت معرفی کنند، ابتدا واژه اهل بیت را معناشناسی کردند و آن را به همه کسانی که نوعی علاقه و رابطه خویشاوندی و ناگسستگی داشته باشند، به‌طوری که از لحاظ عرف، همگی آن‌ها می‌توانند در یک بیت واحد ساکن شوند، معنا کردند. بنابراین، اهل بیت در آیه تطهیر ابتدا زنان پیامبر را شامل می‌شود و بعد اهل کساء را (آلوسی، ۱۴۱۵، ج. ۱۱، ص. ۱۹۹).



همچنین آنان برای به‌کارگیری ضمائیر مذکر در آیه (عَنکُم و یَطهَرُکُم) با تمسک به قواعد ادبیات عرب، علت مذکر آوردن ضمائیر را از باب تغلیب مطرح کردند و گفتند: چون در میان اهل بیت، پیامبر، علی و فرزندان علی یعنی حسن و حسین وجود دارند لذا ضمائیر موجود در آیه از باب غلبه نسبت به حضرت فاطمه و زنان پیامبر به‌صورت مذکر آورده شده است. از طرفی در عرف فصحا نیز عدول از خطاب به غیر و بازگشت مجدد به خطاب در محاورات آنان بسیار فراوان است و همچنین این‌گونه عدول در قرآن کریم و اشعار عرب نیز زیاد دیده می‌شود (خسروانی، ۱۳۹۰، ج. ۷، ص. ۳۲؛ تقی‌تهرانی، ۱۳۹۸، ج. ۴، ص. ۳۲۱). برخی نیز ضمیر «کُم» در هر دو مورد را به‌خاطر لفظ مذکر «أهل»، جایگزین و به معنای «کُنْ» می‌دانند و بیان می‌کنند که در ادبیات قرآنی و عربی، به‌کارگیری صیغه‌های مذکر به‌جای مؤنث، برای رعایت لفظ فراوان یافت می‌شود (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج. ۶، ص. ۳۶۵). از طرفی سیاق آیات قبل و بعد این آیه در مورد زنان پیغمبر است و این آیه در بین آن قرار گرفته است.

دیدگاه مفسران شیعه و أدلة آنان

همه مفسران شیعه بالاجماع اتفاق دارند مصداق اهل بیت در آیه تطهیر خمسۀ طیبه یعنی پیامبر، علی، فاطمه و حسنین می‌باشند و بر ادعای خود دلایل روایی، متنی و محتوایی ذکر نموده‌اند.

دلیل روایی

مفسران شیعه قائل اند، این فراز از آیه با صدر و ذیل آن در شأن نزول متفاوت است به‌گونه‌ای که شروع آیه مربوط به زنان پیغمبر و بعد از آن، آیه تطهیر وارد شد و سپس آیه مجدداً زنان پیامبر را مورد خطاب قرار داد. آنان برای اثبات مدعای خود روایات فراوانی از طرق مختلف نقل می‌کنند که بیشتر آن‌ها در منابع اهل تسنن موجود است (فراز کوفی، ۱۴۱۰، ص. ۳۳۲؛ قمی، ۱۳۶۷، ج. ۲، ص. ۱۹۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج. ۱۰، ص. ۳۷۴؛ کرمی حویزی، ۱۴۰۲، ج. ۶، ص. ۲۹۴؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج. ۷، ص. ۲۸۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج. ۴، ص. ۲۷۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج. ۱۵، ص. ۴۱۷؛ کاشانی، ۱۴۲۳، ج. ۵، ص. ۳۷۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۸، ص. ۵۵۹). تعداد این روایات را بیش از هفتاد حدیث ذکر می‌کنند که اهل تسنن از طریق ام‌سلمه، عایشه، ابی سعید خدری، سعد، واثله بن الاسقع، ابوالحرء، ابن عباس، ثوبان غلام آزادشده رسول خدا، عبدالله بن جعفر، امام علی و امام حسن که تقریباً چهل طریق است روایت کرده‌اند؛ و شیعه آن را از حضرت علی، امام سجاد، امام باقر، امام صادق و امام رضا و از ام‌سلمه، ابوذر، ابولیلی، ابوالاسود دؤلی، عمرو بن میمون اودی و سعد بن ابی وقاص، با بیش از سی طریق نقل کرده‌اند (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ج. ۱۶، ص. ۳۱۱؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج. ۱۰، ص. ۴۴۴).

طبق روایت واردشده در منابع تفسیری و روایی فریقین، این آیه در خانه ام‌سلمه همسر پیامبر، نازل شده است و هنگام نزول آن علاوه بر پیامبر اکرم، علی، فاطمه، حسن و حسین نیز حاضر بوده‌اند. در این هنگام پیامبر، پارچه‌ای خیبری (کسا) را که بر آن نشسته بود، بر روی خود، علی، فاطمه و حسنین کشید و دست‌ها را

به سوی آسمان بالا برد و گفت: «خدايا! اهل بیت من این چهار نفرند، اینان را از هر پلیدی پاک گردان». ام سلمه از پیامبر پرسید که آیا او در شمار اهل بیت مذکور در این آیه قرار دارد، پاسخ پیامبر این بود که تو از همسران رسول خدایی و تو (بر راه) خیر هستی (واحدی، ۱۴۱۱، ص. ۱۸۸). و حتی پیامبر برای رفع هرگونه شک و شبهه درباره مصداق اهل بیت، این جریان را به صورت عملی به اجرا گذاشتند. پیامبر به مدت شش ماه و طبق برخی نقل ها نه ماه هنگامی که برای نماز از خانه خویش بیرون می رفتند به در خانه فاطمه می آمدند و می گفتند: «الصلاة، إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (طبری، ۱۴۱۲، ج. ۲۲، ص. ۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج. ۵، ص. ۱۹۹؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج. ۳، ص. ۳۲۴). همچنین پیامبر در یک روایت مصداق اهل بیت را به صورت عینی بیان می کنند و می فرمایند: این آیه (تطهیر) درباره پنج نفر: من و علی و حسن و حسین و فاطمه نازل شده است.

عدم وحدت سیاق

یکی دیگر از دلایل مفسران شیعه در تخصیص مصداق اهل بیت به خمسة آل عبا، نبود عدم وحدت سیاقی بین آیه تطهیر و آیات قبل و بعد آن است؛ زیرا اولاً میان این آیه و آیات قبل و بعد، هیچ گونه پیوستگی بینشان برقرار نیست؛ ثانیاً لحن آیه تطهیر مدح و تمجید اهل بیت است، درحالی که لحن آیات قبل و بعد که اختصاص به زنان پیامبر دارد، توأم با توبیخ و سرزنش است؛ ثالثاً این از عادت فصحا است که در کلام خود از یک خطاب به خطاب دیگر روند و دوباره به آن خطاب اولی برگردند؛ قرآن کریم مملو از این موارد است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۸، ص. ۵۶۰).

دلیل ادبی

مفسران شیعه با واکاوی مفاهیم و کلمات به کاررفته در آیه و بررسی ادبی آن ها، به انحصار مصادیق اهل بیت در افراد خاص استدلال کردند. آن ها ابتدا با بررسی لغوی و اصطلاحی مفهوم اهل بیت دریافتند که مصداق این واژه نمی تواند شامل حال زنان پیامبر و بنی هاشم (آل علی، آل عباس، آل عقیل و آل جعفر) باشد، بلکه مراد از اهل بیت منحصر در پنج تن آل عبا است؛ چراکه «اهل بیت» مرکب از دو کلمه «اهل» و «بیت» است و واژه «اهل» در لغت به معنای شایسته و سزاوار (ابراهیم مصطفی و سایرین، ۱۴۲۶، ص. ۳۱) معنا شده است. چنانچه این واژه به چیزی یا شخصی اضافه شود، معنای دیگری به خود می گیرد؛ از این رو با اضافه شدن «اهل» به «بیت» به ساکنان خانه، خویشان و کسانی که پیوند نسبی دارند معنا می شود (فراهیدی، ۱۴۲۴، ج. ۱، ص. ۹۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج. ۱۱، ص. ۲۹). در این صورت اهل بیت شامل زن، فرزند و هر کسی که ساکن خانه هستند می شود.

اما اصطلاح اهل بیت در مورد پیامبر علاوه بر معنای لغوی کاربرد دیگری نیز دارد. از آنجایی که بیت آن حضرت محل نزول وحی و بیت نبوت می باشد، در این جا نمی توان فقط معنای لغوی را لحاظ کرد، بلکه منظور از اهل بیت افرادی هستند که از نظر علمی و عملی دارای مرتبه ای هستند که شایسته بیت نبوت و رسالت می باشند.



همچنین به اتفاق عالمان، واژه «إنما» در آیه «إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ» از ادات حصر می‌باشد؛ که اثبات مدخول و نفی غیر می‌کند. مثل: «إِنَّمَا زَيْدٌ فِي الدَّارِ» یعنی فقط زید در خانه است نه غیر او؛ یا مثل: «إِنَّمَا لَكَ عِنْدِي دِرْهَمٌ» یعنی برای تو نزد من فقط یک درهم است نه بیشتر نه کمتر باشد. مقصود از اراده در این آیه، اراده تکوینی است که قطعی و تخلف‌ناپذیر است؛ نتیجه چنین اراده‌ای تحقق قطعی طهارت و نفی هرگونه رجس و پلیدی است؛ چنین اراده‌ای نمی‌تواند شامل غیر خمسۀ طیبۀ شود؛ زیرا هیچ‌کس زن‌های پیامبر را معصوم نمی‌داند. اما حمل اراده در این آیه بر اراده تشریعی نادرست است؛ چون اراده تشریعی طهارت و پاکی از سوی خدای متعال، منحصر به عده خاصی نیست؛ بلکه خدای متعال در تشریعات خود همه مردم را به پاکی و طهارت دعوت کرده است؛ بنابراین با توجه به حصر و اراده تکوینی طهارت، مقصود از اهل بیت فقط خمسۀ طیبۀ علیهم السلام است.

اولویت و مفهوم موافقت

یکی از دلایلی که مفسران شیعه برای اثبات مدعای خود آورده‌اند، اولویت قطعی و مفهوم موافقت می‌باشد که در این جا بر عصمت اهل بیت دلالت دارد. توضیح مطلب این است که خداوند زنان پیامبر را امر و نهی می‌کند؛ چون کارهای خلاف آنان، آثار منفی در اهل بیت رسالت بر جای خواهد گذاشت. آن چه مهم است اهل بیت هستند و خداوند نمی‌خواهد که کوچک‌ترین پلیدی به آنان برسد، نه زنان پیامبر؛ اگرچه این پلیدی از کسانی سرزند که با آن خانواده نسبت دارند. این امر شباهت دارد به مردی که دارای عزت و احترام در میان مردمان است و برای تثبیت احترام وی به فرزند یا بستگان او که مرتکب کار ناشایستی می‌شوند تذکر داده می‌شود که از آن کار دست بردارند تا به شهرت و آوازه آن مرد لطمه‌ای وارد نشود. در این جا آن فرزند یا بستگان آن مرد در دایره اهتمام نیستند چراکه اگر آنان، فرزند یا بستگان آن شخص نبودند به آبرو و شخصیت وی متعرض نمی‌شدند، هیچ‌گونه انگیزه‌ای برای امر و یا نهی آنان نبود (ر.ک: عاملی، ۱۳۷۹).

نقد و بررسی دیدگاه فریقین

بررسی روایی

مفسران شیعه برای اثبات مدعای خود به حدیث معروف کسا استناد کرده‌اند. محدثان فریقین آن قدر این حدیث را در کتاب‌های معتبر خود نقل کرده‌اند که می‌توان ادعای تواتر کرد (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹، ج. ۱، ص. ۳۸).

طبری در کتاب دلائل الإمامة می‌گوید: «مسلمانان اتفاق نظر دارند که هم‌زمان با نزول آیه تطهیر پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین را فراخواند و با کسا آنان را پوشاند و چنین دعا کرد «اللهم هؤلاء أهلي فأذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهيرا؛ خدایا اینان اهل بیت من هستند، از آن‌ها پلیدی را دور کن و آن‌ها را پاک گردان» (طبری، ۱۳۸۳، ص. ۲۱). بنابراین با وجود این همه روایات با طرق مختلف شیعه و اهل سنت نمی‌توان ذره‌ای خدشه به سندیت آن وارد کرد.

اما در مقابل اکثر مفسران اهل تسنن برای اثبات مدّعی خود به روایت عکرمه از ابن عباس استناد کرده‌اند و برخی دیگر از مفسران این روایت را از طریق سعید بن جبیر هم نقل کرده‌اند؛ ولی با این وجود، روایت یادشده هم از لحاظ سندی و هم از لحاظ دلّالی مورد نقد و بررسی است.

نقد سندی

اولاً: در سلسله‌سند روایت عکرمه، ابن حمید از یحیی بن واضح، او از اصبع و او از علقمه و او از عکرمه این حدیث را روایت کرده‌اند درحالی که در منابع رجالی اهل تسنن «ابن حمید» فردی ضعیف خوانده شده است (ذهبی، ۱۴۱۸، ج. ۲، ص. ۱۶۶؛ ابن حجر عسقلانی، بی تا، ج. ۲، ص. ۶۹).

ثانیاً: اهل تسنن در کتاب‌های رجالی و تراجم خود، عکرمه را فردی کذاب، کم عقل و از خوارج معرفی کرده‌اند. هرچند این نگاه از منظر برخی از محدثان شیعه رد شده است، ولی همین امر در عدم پذیرش ادعای اهل تسنن بر اختصاص آیه تطهیر به زنان پیامبر کفایت می‌کند. ما در این جا برای تبیین موضوع، شخصیت عکرمه را در کتب اهل تسنن مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) کذاب بودن عکرمه: ابن حجر عسقلانی و ذهبی در مورد وی می‌گویند: جریر بن عبد الحمید از یزید بن ابی‌زیاد نقل می‌کند که روزی به دیدار علی بن عبدالله بن عباس رفتم و عکرمه را دیدم که در درب نخلستان بسته شده بود، پرسیدم: چرا عکرمه را بسته‌ای؟ گفت: او بر پدرم دروغ می‌بندد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴، ج. ۷، ص. ۲۳۸؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج. ۵، ص. ۲۳). عکرمه در نقل روایت آن قدر بر ابن عباس دروغ بست که به‌خاطر شهرتش در دروغ‌گویی ضرب‌المثل شده بود: قضیه دروغ بستن عکرمه بر ابن عباس بین خواص مشهور بود تا جایی که ضرب‌المثل شده بود. کما اینکه یحیی بن بکاء می‌گوید: از ابن عمر شنیدم که به نافع می‌گفت: از خدا بترس و بر من دروغ نبند همان‌گونه که عکرمه بر ابن عباس دروغ می‌بست (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴، ج. ۷، ص. ۲۳). سعید بن مسیب از فقهای مشهور است که به غلامش می‌گوید: «ای بنده، مثل عکرمه که بر ابن عباس دروغ می‌بست، تو بر من دروغ نبند» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴، ج. ۷، ص. ۲۳۷؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج. ۵، ص. ۲۳). «مزی» در تهذیب الکمال به صراحت اعلام می‌کند: «قاسم به عثمان بن مرّة گفت: ای برادر! عکرمه انسان دروغ‌گویی است. صبح یک حدیثی را نقل می‌کند و غروب از حدیث خود برمی‌گردد» (مزی، ۱۴۰۶، ج. ۲۰، ص. ۲۸۶).

ب) خارجی بودن عکرمه: ذهبی هم درباره عکرمه می‌گوید: «گفته شده که عکرمه بر رأی و نظر خوارج بوده است به‌همین خاطر امام مالک و مسلم از او روایتی نقل نکرده‌اند» (ذهبی، ۱۳۷۴، ج. ۱، ص. ۹۵).

ج) کم عقل بودن عکرمه: ابن حجر عسقلانی و ذهبی از ابی‌الأسود نقل می‌کنند که عکرمه، فردی کم عقل بود (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴، ج. ۷، ص. ۲۳۷؛ ذهبی، ۱۴۱۳، ج. ۵، ص. ۲۷).

با این تعاریفی که بزرگان اهل تسنن از عکرمه دارند چطور به روایت عکرمه در مورد اختصاص آیه به نساء النبی می‌توان استشهد کرد؟



نقد محتوایی

این حدیث نمی‌تواند درست باشد چون تعداد احادیثی که اهل بیت را به خمسۀ آل عبا تفسیر کردند، آن قدر زیاد است که اگر نگوییم به حد تواتر رسیده، لااقل می‌توان گفت این احادیث مستفیض هستند (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ج. ۱۶، ص. ۳۱۱؛ حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج. ۱۰، ص. ۴۴۴). با توجه به این مطلب، روایات مذکور در کتب فریقین بر خبر واحد مقدم می‌شوند و روایت عکرمه و سعید بن جبیر را تحت الشعاع خودش قرار می‌دهند.

بررسی سیاق

قرینه وحدت و عدم وحدت سیاق از جمله أدله‌ای است که فریقین برای اثبات مدعای خود بدان استناد کردند. سیاق یکی از قرائن لفظی و متصل به‌شمار می‌رود. این قرینه در کلامی که از چند جمله تشکیل شده باشد زمانی نقش‌آفرینی می‌کند که بین جملات از لحاظ ظاهری پیوستگی و همچنین از نظر موضوع نیز بین آن‌ها اتحادی برقرار باشد. اما با بررسی صورت‌گرفته در آیات ۲۸ تا ۳۴ سورۀ احزاب درمی‌یابیم که قبل و بعد آیه تطهیر مربوط به همسران پیامبر است که با لحن سرزنش و توبیخ همراه است ولی در آیه تطهیر به مدح و تمجید افرادی که تحت عنوان اهل بیت هستند می‌پردازد. و این قول به دیدگاه شیعه نزدیک‌تر است.

بررسی ادبی

فریقین با استناد به تغییر رویکرد ضمائر از مؤنث به مذکر و بررسی ادبی و واژگان الفاظی همچون «اهل بیت» و «إِنَّمَا» بر مدعای خود استناد کردند. در این میان مفسران اهل سنت ابتدا اهل بیت را به همه کسانی که نوعی علاقه و رابطه خویشاوندی و ناگسستگی داشته باشند معنا کردند و با این معنا زنان پیامبر را نیز از مصادیق اهل بیت در آیه تطهیر دانستند درحالی که اهل بیت در مورد پیامبر و بیت آن حضرت که محل نزول وحی و بیت نبوت می‌باشد نمی‌تواند معنای عرفی داشته باشد. بلکه منظور از اهل بیت طبق گفته مفسران شیعه، افرادی هستند که از لحاظ علمی و عملی دارای درجاتی هستند که شایسته آن مقام شدند و تعیین حد و حدود آن به دست شارع انجام می‌گیرد. بنابراین برخی از افرادی که جزو ساکنان و خویشاوندانند همچون فرزندان نوح، از دایره اهل بیت خارج می‌شوند «... قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ...» (هود: ۴۶) و در مقابل افرادی همچون سلمان فارسی به‌خاطر کسب مقامات علمی و عملی به جایی رسیده‌اند که پیامبر در مورد وی می‌فرماید: «سَلْمَانٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۲، ص. ۴۲۷). از طرفی هر وقت واژه اهل بیت بر لسان پیامبر همچون حدیث ثقلین، حدیث سفینه، داستان مباحله و ... جاری می‌شود، افراد خاصی که در بالاترین درجه انتساب به بیت نبوت هستند به ذهن انسان متبادر می‌شود.

همچنین یکی از مواردی که می‌تواند مصداق اهل بیت را در خمسۀ آل عبا منحصر کند به‌کارگیری لفظ «إِنَّمَا» در آغاز آیه تطهیر می‌باشد. لفظ «إِنَّمَا» برای حصر به‌کار رفته است و نتیجه حصر، عصمت اهل بیت در آیه است. چراکه روایت اُم‌سلمه و عایشه در مورد حدیث کسا بیان‌کننده آن است که عصمت، برگرفته از حصر در اراده تکوینی طهارت در اهل بیت است که قطعی و تخلف‌ناپذیر است؛ چنین اراده‌ای نمی‌تواند شامل غیر

خمس طیه شود؛ زیرا هیچ کس زن‌های پیامبر را معصوم نمی‌داند. اما حمل اراده در این آیه بر اراده تشریعی نادرست است؛ چون اراده تشریعی طهارت و پاکی از سوی خدای متعال، منحصر به عده خاصی نیست؛ بلکه خدای متعال در تشریعات خود همه مردم را به پاکی و طهارت دعوت کرده است؛ بنابراین با توجه به حصر و اراده تکوینی طهارت، مقصود از اهل بیت فقط خمس طیه علیهم السلام است.

ثعلبی به اسناد خود از مجمع تیمی روایت کرده که روزی با مادرم نزد عایشه رفتیم؛ مادرم به او گفت: دیدی که در روز جمل خروج کردی و از امر الهی که فرموده «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» عدول نمودی. عایشه گفت: از قضا و قدر حق تعالی بود. سپس درباره علی از او پرسید، او گفت: در مورد محبوب‌ترین مردم و شوهر محبوب‌ترین مردم نزد رسول خدا سؤال کردی. به خدا سوگند من دیدم پیغمبر علی و فاطمه و حسن و حسین را در زیر جامه خود جمع کرد و آن جامه را بر سر ایشان کشید و فرمود: «بار خدایا این‌ها اهل بیت و خویشان نزدیک من اند پس پلیدی را از ایشان دور کن و ایشان را پاک و پاکیزه گردان از شوب معصیت». بعد از آن عایشه گفت: من گفتم: «یا رسول الله انا من اهلک» فرمود: «تنحی فانک الی خیر» دور شو که تو بر صفت خیری و نیکو کرداری و اهل بیت من نیستی چه این‌ها اهل بیت من هستند (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ج. ۸، ص. ۴۳؛ حسانی، ۱۳۹۳، ج. ۲، ص. ۶۲؛ بروجردی، ۱۳۶۶، ج. ۵، ص. ۳۵۲). بنابراین، چطور می‌توان چنین فردی که بر علیه خلیفه مسلمین قیام کرد را مشمول حکم و اراده الهی در تطهیر بدانیم؟!

نتیجه‌گیری جمع‌بندی نهایی تطبیقی

طبرسی و ثعلبی هر دو حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را مصداق اهل بیت و تطهیر شده می‌دانند. طبرسی با روش تحلیلی، استدلالی، لغوی، نحوی، روایی نتیجه‌گیری کلامی می‌کند و عصمت را به صورت روشن اثبات می‌کند. ثعلبی با رویکردی روایی، نقلی چند قول را نقل می‌کند اما روایات اهل کساء را معتبرترین قول می‌داند و تطهیر کامل آنان را می‌پذیرد بدون اینکه اصطلاح عصمت را به کار ببرد. بنابراین تفاوت اصلی دو دیدگاه در شیوه استدلال و شدت تصریح بر عصمت است نه در اصل پذیرش پاکی مطلق اهل کساء.

در نتیجه هر دو مفسر حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را در شمار کسانی که آیه تطهیر بر طهارت آنان دلالت دارد قرار داده‌اند؛ با این تفاوت که براساس تفسیر طبرسی این دلالت صریح در عصمت است، ولی در تفسیر ثعلبی به دلالت آیه بر عصمت تصریح نشده است.

منابع

- آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم (تحقیق علی عبدالباری عطیه). بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲). زاد المسیر فی علم التفسیر (تحقیق عبدالرزاق المهدی). بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰). تفسیر التحریر و التنویر. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲). المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز (تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد). بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹). تفسیر القرآن العظیم (تحقیق محمدحسین شمس الدین). بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (تحقیق محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ابوحیان، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰). البحر المحیط فی التفسیر (تحقیق صدقی محمد جمیل). بیروت: دار الفکر.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۵). البرهان فی تفسیر القرآن (تحقیق واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت). قم: مؤسسه البعثة (قسم الدراسات الإسلامیه).
- بغدادی، علاءالدین علی بن محمد. (۱۴۱۵). لباب التأویل فی معانی التنزیل (تصحیح محمدعلی شاهین). بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸). أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۰۳). سنن الترمذی (تحقیق و تصحیح عبدالرحمن محمد عثمان). بیروت: دار الفکر.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۸). جواهر الحسان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲). الكشف و البیان عن تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- حسکانی، عبیدالله بن احمد. (۱۳۹۳). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- حسینی استرآبادی، سید شرف‌الدین علی. (۱۴۰۹). تأویل الآیات الظاهره. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم.
- حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد. (۱۳۶۳). تفسیر اثنا عشری. تهران: انتشارات میقات.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۳۷۱). إرشاد القلوب إلى الصواب المنجی من عمل به من أليم العقاب. قم: الشریف الرضی.

ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد. (۱۳۷۴). تذکرة الحفاظ (تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی). بیروت: دار إحياء التراث العربی.

ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۱۸). الکاشف فی معرفة من له رواية فی الكتب الستة. بیروت: دار الفکر.
رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی‌سعد. (۱۳۷۱). کشف الأسرار و عدة الأبرار (تحقیق علی‌اصغر حکمت). تهران: انتشارات امیرکبیر.

سیر أعلام النبلاء. (۱۴۱۳). (إشراف و تخریج شعيب الأرناؤوط و تحقیق حسین الأسد). بیروت: مؤسسة الرسالة.
سیوطی، جلال‌الدین و محلی، جلال‌الدین. (۱۴۱۶). تفسیر الجلالین. بیروت: مؤسسة النور للمطبوعات.
سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. (۱۴۰۴). الدر المنثور فی تفسیر المأثور. قم: کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.

شوشتری، نورالله بن شریف‌الدین. (۱۳۷۷). إحقاق الحق و إزهاق الباطل (با تعلیقات شهاب‌الدین مرعشی نجفی). قم: چاپخانه محمود مرعشی.

صافی، محمود عبدالرحیم. (۱۴۱۸). الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه. دمشق: دار الرشید و مؤسسة الإیمان.
صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۳۹۳). عیون أخبار الرضا. تهران: دار الكتب الإسلامية.
طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳). الاحتجاج علی أهل اللجاج (تحقیق محمدباقر خراسان). مشهد: نشر مرتضی.
طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۳). ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ترجمه هاشم رسولی محلاتی). تهران: انتشارات فراهانی.

طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفة.
طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴). الأمالی. قم: دار الثقافة.

طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). أطيّب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام.
عاملی، سید جعفر مرتضی. (۱۳۷۹). اهل بیت در آیه تطهیر. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
فخرالدین رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). تفسیر القمی (تحقیق سید طیب موسوی جزایری). قم: دار الكتاب.
کاشانی، ملا فتح‌الله. (۱۴۲۳). زبدة التفاسیر (تحقیق بنیاد معارف اسلامی). قم: بنیاد معارف اسلامی.
کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹). الکافی (تصحیح دار الحديث). قم: دار الحديث.

کوفی، فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۰). تفسیر فرات الکوفی (تحقیق محمدکاظم محمودی). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۱). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. تهران: دار الكتب الإسلامية.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الكتب الإسلامية.